

حافظ و خطاپذیری انسان

احمد کاظمی موسوی

دانشگاه مریلند

آزادی رشد خصلتیست که فرشته فاقد آن است و طبیعتاً برای از لغزش و گناه، این امکان رشد، خواه از طریق «عشق» باشد یا از راه «علم»، پیوسته امکان اشتباه و خطا را به همراه دارد. از دید حافظ این خطاپذیری عاشقانه ره به رشد و عاقبت می‌برد. حافظ مغازلات زیبایی در دستبرد به این عاقبت در برابر زاهدان ریایی دارد، و این‌گونه دستبردها را به زبان عامه‌ی مردم «رندی» می‌نامد. خطاپذیری، پاک‌بازی، رشد عاشقانه و عاقبت نهایی، ارکان مجموعه‌ی هستند که حافظ آن را رندی می‌خواند. این رندی در نهاد بشری است همان‌گونه که زهد و ریا در نهاد بشر است. حافظ اغلب این‌ها را به صورت یک ودیعه‌ی ازلی می‌بیند «که ندادند جز این تحفه به ما روز الست».

از میان اشعاری که نویسنده‌ی محترم برای تبیین مضمون آیه‌ی ۷۲ سوره‌ی احزاب (انا عرضنا الامانة علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انة کان ظلوماً جهولاً) می‌آورد، سه بیت شیخ محمود شبستری اشاره به خاکی و کدر بودن و در عین حال مظهر ظهور بودن انسان دارد:

«ظلومی» و «جهولی» ضد نورند

ولیکن مظهر عین ظهورند

چو روی آینه باشد مکرر

نماید روی شخص از عکس دیگر

شعاع آفتاب از چارم افلاکی

نگردد منعکس جز از سر خاک

مساله‌ی خطاپذیر بودن انسان را اندیشگر معاصر آقای داریوش

آشوری در کتاب عرفان و رندی حافظ به تفصیل مورد بحث و

بررسی قرار داده است و منشأ آن را به اسطوره‌ی لغزش آدم ابوالبشر

و بازتاب آن در ادبیات اسلامی می‌رساند.

پدرم روضه‌ی رضوان به دو گندم بفروخت

ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم

محقق دانشمند آقای بهاء‌الدین خرمشاهی نیز در خصوص

خطاپذیری انسان و حدیث نبوی مبنی بر این‌که پروردگار انسان

ساعی و خطاکار را بر عابد پرهیزکار مرجح می‌دارد، شرحی در

آثارشان بویژه در حافظ‌نامه دارد.

پیدااست که هیچ یک از این یادآوری‌ها نافی ارزش کار و تحقیق

وسیع نویسنده‌ی محترم مقاله نمی‌باشد. ■

□ در سفر کوتاهی

که به تهران در مرداد

ماه گذشته داشتم، نشریه‌ی

حافظ شماره‌ی ۵۹ (اردیبهشت

۱۳۸۸) را به لطف یکی از سروران عزیز

(جناب آقای رضا فاضلی خوانساری) دیدم و از

مطالب متنوع و به روز آن بهره‌مند شدم. مقاله‌ی «بار

امانت در قلمرو حافظ» نوشته‌ی جناب دکتر علیقلی

محمودی بختیاری بیش‌تر توجهم را جلب کرد؛ نه فقط به

جهت پربار بودن مطالب مقاله بلکه به خاطر نکته‌ی مهمی

که نویسنده‌ی محترم مکرر به آن نزدیک شده، اما چنان‌که

باید و شاید آن را باز نشکافته است. آن نکته خطاپذیری

انسان از دید حافظ است که از یک‌سو اشاره به ظلوم و

جهول بودن آدمی در آیه‌ی شریفه‌ی قرآن دارد، و از سوی

دیگر مکتب رندی حافظ را توضیح می‌دهد. در این‌جا

می‌گویم که گوشه‌ی از این مطالب را برای خوانندگان

نشریه‌ی حافظ باز نمایم.

سهو و خطای بنده گرش اعتبار نیست

معنی عفو و رحمت آموزگار چیست

می‌بینیم که حافظ در این بیت برای سهو و خطای

انسان «اعتبار» قائل می‌شود. این اعتبار به خاطر معنابخشی

به یک صفت اصلی پروردگار یعنی آموزگار بودن اوست که

شمار بسیاری از نام‌های نیک (اسماء الحسنی) خداوند را در

برمی‌گیرد. رحیم و رحمان بودن پروردگار زمانی مصداق پیدا

می‌کند که امکان لغزش و خطای بشر وجود داشته باشد. در

این‌جاست که خطاپذیری انسان در رابطه‌ی نزدیک با ظلوم

و جهول بودن او قرار می‌گیرد. این ظلوم و جهول بودن

همیشه بار منفی ندارد. بلکه لازمه‌ی پذیرش بار امانت

است که امکان جهل انسان را از محتوای امانتش و ظلم به

خودش را پدید می‌آورد. «امانت» چیست؟ نویسنده‌ی

محترم مقاله معانی مختلف آن را از دید مفسران بیان

کرده‌اند. ما در این‌جا «آزادی و رشد» را خصیصه‌ی شاخص

امانت می‌انگاریم که نزدیک‌ترین ربط را به فضای معنایی

قرآن و دیوان حافظ دارد.